

# شورای همکاری خلیج فارس و روند بیداری اسلامی در بحرین

\* مجید عباسی

\*\* حسن حسنی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۱۵

## چکیده

بحرین کشوری کوچک اما مهم در معادلات منطقه ای است. این کشور در دوره پس از استقلال از ایران در سال ۱۹۷۱ همواره تلاش داشته تا با توجه به ضعف ژئوپلیتیکی و ناتوانی در حفظ امنیت و استقلال به اتحاد با قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای مبادرت کند. لذا زمانیکه تشکیل شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ مطرح شد این کشور با توجه به ضعف های ساختاری در حوزه های مختلف و بویژه مسأله دموکراسی به عضویت آن در آمد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تبیینی در پی بررسی علل آغاز بحران داخلی بحرین در سال ۲۰۱۱، چرایی ورود شورای همکاری خلیج فارس به آن و سیاست های متخذه از جانب این شورا برای مدیریت این بحران می باشد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که از زمانیکه مردم بحرین در فوریه سال ۲۰۱۱ در اعتراض به مشکلات داخلی مانند تبعیض مذهبی، دیکتاتوری سیاسی، مشکلات اقتصادی و شکاف طبقاتی دست به قیام زده اند و ابتدا خواستار اصلاحات و سپس اسقاط حکومت آل خلیفه شده اند، این شورا تلاش نموده است با سیاست هایی مانند اعزام نیروهای واکنش سریع (سپر جزیره)، تبلیغات رسانه ای بر علیه مخالفین و القای این مطلب که مخالفین حکومت آل خلیفه شیعیان تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران هستند، حمایت بی حد و حصر از حکومت آل خلیفه و مطرح شدن طرح هایی مانند الحاق بحرین به عربستان به مدیریت بحران مبادرت و وضع موجود را در میان کشورهای عضو شورا حفظ کنند.

**کلیدواژگان:** امنیت، بحران داخلی، بیداری اسلامی، شورای همکاری خلیج فارس.

\* نویسنده مسئول: عضو هیات علمی گروه روابط بین الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

رایانامه: dr.majidabbasi@gmail.com

\*\* کارشناس ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

## مقدمه

با توجه به مشکلات داخلی و تحت تأثیر تحولات سیاسی کشورهای عربی که به سقوط حکام تونس، مصر، یمن و لیبی منجر شد و همچنین عدم پایداری حکومت بحرین برای اجرای اصلاحات سیاسی و اجتماعی، جوانان بحرینی ۱۴ فوریه ۲۰۱۱ را روز خشم از حکومت اعلام کردند. در ۱۴ فوریه یعنی در دهمین سالگرد همه‌پرسی به نفع منشور ملی بحرین، ملت این کشور تصمیم گرفتند در اعتراض به ساختار حکومت به سمت میدان لؤلؤ در منامه راهپیمایی کنند. بیشتر معترضان را شیعیان تشکیل می‌دادند اما در میان آن‌ها سنی‌های طرفدار اصلاحات سیاسی نیز حضور داشتند. خواسته‌ی اصلی معترضان استقرار حکومتی دموکراتیک مبتنی بر رأی مردم و رفع تبعیض در زمینه‌ی اشتغال و سایر حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بود.

ابتدا در ۱۴ فوریه راهپیمایی در روستاهای عمدتاً شیعه نشین اتفاق افتاد که این راهپیمایی‌ها به کشته شدن دو شیعه توسط نیروهای نظامی آل خلیفه منجر شد. روز بعد شاه بحرین در تلویزیون حاضر شد و به خاطر کشته شدن این دو نفر عذرخواهی کرد. در روزهای ۱۶ و ۱۷ فوریه میدان لؤلؤ منامه به مرکز اعتراض‌ها تبدیل شد. در این اعتراض‌ها و بر اثر حمله‌ی پلیس بحرین به تظاهرکنندگان، چهار نفر کشته شدند و بزرگ‌ترین حزب مخالف دولت یعنی الوفاق از مجلس کناره‌گیری کرد. در روزهای بعد نیز اتفاقات مشابهی رخ داد. از ۱۸ تا ۲۶ فوریه ناآرامی‌ها ادامه یافت. در ۱۸ فوریه بر اثر آتش گشودن به روی معترضین ده‌ها نفر زخمی شدند و در همین روز ولیعهد شیخ سلمان، آغاز یک گفتگوی ملی را وعده داد. چهار روز بعد شیخ حمد فرمان آزادی زندانیان شیعی را صادر کرد و در همان روز بزرگ‌ترین تظاهرات برگزار شد. در روز ۲۶ فوریه شیخ حمد دست به اصلاحاتی زد و وزیر بهداشت و برق را برکنار کرد که البته این کار از طرف مخالفین کافی تلقی نشد.

در دوم مارس راهپیمایی طرفداران رژیم آل خلیفه انجام شد. ده روز بعد یعنی ۱۲ مارس، رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا برای دیدار با مقامات بحرینی و درخواست توجه حکومت به اصلاحات وارد بحرین شد. در روزهای ۱۳ و ۱۴ مارس تظاهرات مخالفین آل خلیفه ادامه یافت تا این که نیروهای زرهی عربستان و امارات به بحرین اعزام شدند و ریاض اعلام کرد به درخواست کمک دولت بحرین در



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

چارچوب همکاری نیروهای سپر جزیره پاسخ داده است. این نیروها از گذرگاه جداکننده دو کشور وارد بحرین شدند. در ۱۵ مارس اعتراضات گسترش یافت و یک معترض شیعی و یک نفر از نیروهای امنیتی کشته شدند. دولت بحرین برای سه ماه حالت فوق‌العاده اعلام کرد. جمهوری اسلامی ایران این اعمال را محکوم کرد و در پی آن بحرین سفیر خود را از تهران فراخواند. در ۱۶ مارس در درگیری‌های شدید سه نفر کشته شدند، همچنین به گفته‌ی پلیس منامه دو تن از نیروهای پلیس نیز در عملیات حمله و گریز خودروی مخالفان هدف قرار گرفته و در این روز کشته شده‌اند.

در اول ماه ژوئن دولت قانون حالت فوق‌العاده، رالغو کرد. اما جنبش شیعی بازهم به مخالفت ادامه داد و وزیر دادگستری درباره به خطر افتادن امنیت ملی سخت هشدار داد. لذا قیام مردم بحرین با توجه به تحولات ماههای فوریه و مارس ۲۰۱۱ وارد مراحل سخت و جدی تری شد که تاکنون نیز ادامه داشته است.

در این پژوهش تلاش بر این است با استفاده از روش توصیفی-تبیینی و ضمن بررسی علل آغاز اعتراضات مردمی در بحرین به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چرا شورای همکاری خلیج فارس به بحران داخلی بحرین ورود کرده و سیاست‌های متخذه از جانب این شورا در مدیریت این بحران چه بوده است؟ در پاسخ به سوال اصلی فرضیه این پژوهش بر این اساس قرار دارد که: «شورای همکاری خلیج فارس تلاش کرده است با دخالت نظامی از طریق نیروهای سپر جزیره، تبلیغات رسانه‌ای بر علیه مخالفین و القای این مطلب که مخالفین حکومت آل خلیفه شیعیان تحت هدایت جمهوری اسلامی ایران هستند و حمایت بی حد و حصر از اعمال ضد حقوق بشری حکومت آل خلیفه به هدایت و کنترل بحران مبادرت ورزد و وضع موجود را در میان کشورهای عضو شورا حفظ کنند.»

شورای همکاری  
خلیج فارس و روند  
بیداری اسلامی...  
(۵۹ تا ۷۸)

## عوامل موثر در شکل‌گیری اعتراضات داخلی بحرین

### حکومت اقلیت بر اکثریت

مهم‌ترین عامل در ناآرامی‌های بحرین طی سال‌های گذشته حکومت اقلیت سنی بر اکثریت شیعه است. جمعیت خاندان آل خلیفه حدود ۳۰۰۰ نفر می‌باشد که تمامی مناصب مهم حکومتی را در اختیار دارند به عنوان مثال به غیر از پادشاه، شیخ خلیفه

بن سلمان آل خلیفه از سال ۱۹۷۱ تاکنون منصب نخست وزیری را بر عهده دارد که طی این سال‌ها سرکوب اعتراضات به دست وی انجام شده است؛ از طرف دیگر نیز مابقی سمت‌های سیاسی و بنگاه‌های اقتصادی در اختیار اقلیت اهل سنت استو شیعیان بحرینی که حدود ۷۰ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. به دوراز مناطق حساس زندگی کرده و از حقوق طبیعی خود محرومند. به همین دلیل می‌توان دو عامل تبعیض مذهبی و تبعیض سیاسی را از عوامل مهم نارضایتی اکثریت جمعیت یعنی شیعیان دانست.

### تبعیض مذهبی

تبعیض علیه مسلمانان شیعه در بحرین همواره شدید و نظام‌مند بوده است. مقامات بحرینی به شیعیان به عنوان یک طبقه‌ی بی ارزش نگاه می‌کنند. در واقع برخی حاکمیت سنی‌ها بر شیعیان رابه مثابه زندگی تحت آپارتاید تشبیه می‌کنند. با چنین وضعیتی دیده بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۰ وضعیت حقوق بشر در بحرین رابحرانی خواند. یکی از اتهاماتی که به دولت بحرین وارد شده است به حاشیه راندن اکثریت شیعه می‌باشد. در وقایع سال ۲۰۱۱ نیز شواهد حاکی از آن است که تبعیض مذهبی عامل مهمی در برخورد با معترضان است. از جمله شواهد می‌توان به بدرفتاری با زندانیان سیاسی شیعه، تخریب مساجد شیعه و تعلیق و جریمه باشگاه‌ها در مناطق شیعه نشین و برخورد نامناسب با پزشکان و کادر درمانی که از مشاغل معمول شیعیان است اشاره کرد. همچنین به نقل از برخی گزارش‌ها در محل ایست و بازرسی‌های نیروهای امنیتی در ماه‌های مارس و آوریل ۲۰۱۱ از مذهب سرنشینان سؤال می‌شد و اگر شیعه بودند مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند. (موسوی و میرمحمدی ۱۳۸۹: ۱۰۷-۱۰۸)

در این رابطه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) حرکت مردم بحرین را حرکتی ضد استبدادی می‌دانند و می‌فرمایند: « مسئله را مسئله شیعه و سنی نکنید، این بزرگترین خدمت به دشمنان امت اسلامی است که حرکت عمومی ضد استبدادی یک ملت را حمل می‌کنند به دعوی شیعه و سنی، دعوی شیعه و سنی وجود ندارد». (بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۰، [www.Leader.ir](http://www.Leader.ir))



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

## تبعیض سیاسی

حکومت اقلیت سنی مذهب باعث در حاشیه قرار گرفتن شیعیان در عرصه سیاسی شده است. حکومت آل خلیفه از هرگونه تحرک سیاسی، مشارکت و ایفای نقش شیعیان جلوگیری می‌کند و آنها هرگاه تلاش کرده‌اند از راه‌های مشروع و دموکراتیک از این تبعیض خارج شوند مورد سرکوب قرار گرفته‌اند. طبق گزارش مرکز حقوق بشر بحرین در سال ۲۰۰۲ از مجموع ۵۷۲ منصب عمومی و عالی تنها ۱۰۱ منصب یعنی ۱۸ درصد در اختیار ۷۰ درصد اکثریت جامعه قرار دارد. همچنین مردم بحرین در سال ۲۰۰۲ انتخابات را تحریم کردند. علیرغم اعتراضات مردمی به انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶، شیعیان ۱۸ کرسی از ۴۰ کرسی پارلمان را خود اختصاص دادند، یک فرد شیعی معاون نخست وزیر شد که موجب تشدید نارضایتی رهبران اهل سنت شد که این امر مقطعی بوده و در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۸ درصد از مناصب عمومی شیعیان کاسته شد. (درزی کلایی ۱۳۹۰: ۱۳۸)

نگاهی به ساختار سیاسی بحرین موید این مطلب است که این حکومت، از هیچگونه ساز و کار مردمی برخوردار نیست. این حکومت مردم خود را از حقوق اولیه سیاسی محروم کرده است. نکته‌ای که در این جا حایز اهمیت است، موروثی بودن حکومت آل خلیفه است. این امر مانعی بزرگ بر سر راه مشارکت حقیقی مردم در امور سیاسی است. این سیاست، شیعیان را که اکثریت جامعه هستند مورد هدف قرار داده و آنها را از مراکز تصمیم‌گیری مهم و حساس دور نگه می‌دارد. این مسأله نارضایتی سیاسی را دامن زده و به چالش سیاسی بزرگی در جامعه بحرین تبدیل شده است.

حکومت‌های غیردموکراتیک منطقه، مانع از حضور مردم در عرصه سیاسی هستند. بخش مهمی از خواسته‌های مردم در این کشورها مبتنی بر مشارکت و حضور در عرصه سیاسی است. این خواسته از حقوق اولیه مردم محسوب می‌شود. مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در این زمینه می‌فرماید: «مردم بحرین از حقوق اولیه یک شهروند در کشور خود، در خاک خود، در سرزمین خود، محروم است. حق خود را مطالبه می‌کنند، حق رأی دادن خود را مطالبه می‌کنند، می‌گویند بتوانم رأی بدهم، بتوانم در تشکیل دولت و حکومت نقش ایفا کنم، این که جرم نیست، این یک حق مشروع است.» (بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی،

(www. Leader. ir ۱۳۹۰)

## تغییر بافت جمعیتی و افزایش شکاف طبقاتی

حکومت بحرین برای تغییر بافت جمعیتی به نفع اهل سنت به مهاجران سنی از کشورهای چون عربستان، پاکستان، بنگلادش، اردن، فلسطین و... تابعیت داده است. که اکثر آنان فاقد تخصص هستند و به امید گرفتن زمین به بحرین آمده‌اند، اکثر این افراد در تشکیلات نظامی و پلیس استفاده می‌شوند که خود نشان از تبعیض شدید مذهبی در این کشور است. آمارها نشان می‌دهد که این مهاجرت‌ها به بحرین نسبت به ۵ سال گذشته حدود ۱۰ درصد رشد داشته است. عامل دیگری که در شکل‌گیری بحران در بحرین مؤثر بوده است توزیع ناعادلانه ثروت و عمیق شدن فاصله طبقاتی است. ثروت در بحرین در اختیار گروه اندکی است و اکثریت جامعه یعنی شیعیان از حقوق اقتصادی برخوردار نیستند. حتی شیعیان بحرین حق زندگی کردن در مناطق حساس و مهم صنعتی مانند الرفاع را ندارند. (هاشمی نسب ۱۳۸۹: ۲۶-۲۷) نرخ بیکاری در بحرین نیز بالاست که این امر دو دلیل دارد: اول اقدامات دولتی و غیردولتی و دوم حضور گسترده کارگران خارجی ارزان قیمت. (کوشکی و ناظم پور ۱۳۸۹: ۱۶۹) علاوه بر عوامل مذکور، روی کار آمدن قشر جدیدی از نخبگان سیاسی در بحرین و تلاش آن‌ها برای گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن. نیز در تقاضاهای مردمی برای انجام اصلاحات بسیار مؤثر بوده است.

## عوامل تأثیرگذار بین‌المللی

دموکراسی در حال حاضر با سه عنصر شفافیت، پاسخگویی و برابری سنجیده می‌شود که به معنی دسترسی آزاد و بدون محدودیت شهروندان به فعالیت‌ها و تصمیم‌های سیاسی است. همچنین منجر به مسئولیت‌پذیری دولت در برابر شهروندان و عدم تبعیض و تساوی شهروندان در برابر قانون است. که این عوامل طی سال‌های گذشته در کشورهای عربی در حال گسترش بوده‌اند. (برزگر ۱۳۹۰: ۷۴۶ - ۷۵۶)

همچنین رعایت اصول و مبانی حقوق بشر یکی از عوامل مهمی است که امروزه و در عصر جهانی شدن ارتباطات موجب افزایش اطلاعات و آگاهی‌های مردم از حقوق خود شده است. مطابق هنجارهای بین‌المللی همه حکومت‌ها در مورد رعایت حقوق همه اتباع خود بدون تبعیض دارای مسئولیت هستند و رعایت حقوق سیاسی از حقوق اولیه هر ملتی می‌باشد. وجود تبعیض‌های سیاسی و



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

مذهبی، افزایش فاصله طبقاتی و عدم توجه به خواسته های اکثریت مردم و عدم رعایت حقوق بشر موجب تشدید اعتراضات شده است.

### سیاست‌های حکومت بحرین در قبال اعتراضات مردمی

حکومت بحرین در مقابل معترضین از سه رویکرد استفاده کرده است؛ رویکرد سرکوب محدود، رویکرد نسبتاً مسالمت‌آمیز و رویکرد سرکوب گسترده و شدید با کمک نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس. در مرحله اول با توجه به تعداد محدود معترضین، دولت بحرین تلاش کرد تا با سرکوب آنها مانع تداوم و گسترش اعتراضات شود اما خشونت نیروهای امنیتی در قبال معترضین نه تنها منجر به پایان اعتراضات نشد بلکه به تشدید آن نیز منجر گردید. در رویکرد دوم دولت بحرین سعی کرد از روش‌های سیاسی و مسالمت‌آمیز، بحران را کنترل کند در این راستا چهار وزیر دولت شامل وزیر امور نخست وزیر، مسکن، بهداشت و امور آب و برق را برکنار کرد. همچنین به دلیل کشته شدن جمعی از معترضان عزای عمومی اعلام شد و ولیعهد به عنوان نماینده تام‌الاختیار پادشاه برای گفتگو با مخالفین تعیین شد. همچنین سلمان بن حامد آل خلیفه اعلام کرد از این پس خاندان سلطنتی قدرت بیشتری را در اختیار پارلمان قرار خواهد داد و برگزاری رفراندوم‌های عمومی نیز میسر خواهد بود. اما از آنجایی که اقدامات دولت برای مخالفین راضی کننده نبود؛ معترضین به اقدامات اعتراضی خود ادامه دادند. از این رو حکومت دست به سرکوب گسترده‌ی مخالفان زد. از جمله‌ی این اقدامات ورود نیروهای نظامی سعودی و اماراتی در چارچوب نیروهای سپر جزیره به خاک بحرین بود. اعلام وضعیت فوق‌العاده و همچنین دستگیری رهبران و فعالان سیاسی از دیگر اقدامات آل خلیفه بود. (اسدی ۱۳۹۰: ۱۰-۱۱) تعداد دستگیرشدگان بصورت دقیق مشخص نیست اما در ماه مارس ۲۰۱۱ دولت بحرین اذعان کرد که هفتصد نفر را دستگیر کرده که پانصد نفر طی دو ماه آزاد شدند. از این اقدامات حکومتی علاوه بر شیعیان، لیبرال‌های سنی نیز در امان نبودند. در میان بازداشت شدگان حدود چهار تا پنج‌جاه پزشک متخصص مجتمع سلمانیه حضور داشتند. مجتمع سلمانیه محل تردد و درمان بیشتر مجروحین خشونت‌ها بود. مقامات دولت بحرین ادعا می‌کردند مخالفان از طریق این بیمارستان با ابزارهای ارتباطی باشبکه‌های فرامرزی مانند العالم ایران، المنار لبنان و سی‌ان‌ان ارتباط برقرار می‌کردند. همچنین کادر پزشکی بیمارستان را به

شورای همکاری  
خلیج فارس و روند  
بیداری اسلامی...  
(۵۹ تا ۷۸)

ذخیره تسلیحات و عدم مداوای بیماران سنی و مصدومین حامی دولت محکوم کردند. در حرکتی عجیب مقامات بحرینی بیش از چهل مسجد، حسینیه و مطعم را خراب کردند و اعلام کردند این مکان‌ها بدون مجوز ساخته شده است. یکی دیگر از اقدامات دولت بحرین اخراج هزاران کارمند و قطع بیمه‌ی بیکاری آنان بود و همچنین از کارمندان ادارات، شرکت‌های خصوصی و دانشجویان می‌خواستند که سوگند وفاداری به پادشاه را امضا کنند در غیر این صورت دستگیر یا اخراج می‌شدند.

در طول ماه‌های فوریه و مارس ۲۰۱۱ مذاکرات بین خاندان سلطنتی به ریاست ولیعهد و گروه اسلام‌گرای شیعه‌الوفاق در جریان بود. این مذاکرات با حسن نیت همراه بود و نزدیک به یافتن راه حل بود. اما تندروی گروه‌های مخالف مثل الحق و حامیان افراطی آل‌خلیفه کار را مشکل کرد. در دربار آل‌خلیفه نیز دو دسته حضور داشتند اول گروهی به رهبری ولیعهد که خواهان مذاکره با مخالفان و انجام برخی اصلاحات بودند، اما بعد از ۱۵ مارس و ناامید شدن از مذاکره، گروه دوم یعنی تندروهای دربار به رهبری نخست وزیر وارد کار شده و از حضور نیروهای شورای همکاری خلیج فارس در خاک بحرین حمایت کردند. (دارمی ۱۳۹۱: ۱۹۱-۲۰۷)

همچنین با برقراری حالت فوق‌العاده (وضعیت امنیت ملی) دادگاه‌های خاص برای رسیدگی به پرونده معترضان برگزار شدند و تعدادی از مبارزان و فعالان حقوق بشر در این دادگاه‌ها محاکمه شده و به اعدام یا حبس ابد محکوم شدند. بیشتر اتهامات این افراد عبارت بودند از: بی‌احترامی به ارتش، مدیریت و سازماندهی گروه‌های تروریستی برای سرنگونی و تغییر قانون اساسی کشور و حکومت پادشاهی و همکاری با گروه‌های تروریستی خارجی برای انجام اقدامات خطرناک. (موسوی و میرمحمدی ۱۳۸۹: ۱۱۳)

در جریان اعتراضات از فوریه ۲۰۱۱ تا ژانویه ۲۰۱۴، بنا به گزارش مرکز حقوق بشر بحرین، بیش از ۹۳ نفر جان خود را از دست داده‌اند و بیش از ۲۲۰۰ نفر توسط نیروهای امنیتی بحرین مورد بازداشت قرار گرفته‌اند. [www.bahrainrights.org](http://www.bahrainrights.org) (۱۷ فوریه ۲۰۱۴) طبق اعلام نهادهای حقوق بشری، علت عمده مرگ این تعداد از جان‌باختگان، استفاده بیش از اندازه گاز اشک‌آور توسط نیروهای امنیتی بوده است که به مرگ حداقل ۳۴ نفر انجامیده است و بر اساس ادعای "پزشکان



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶



حامی حقوق بشر"<sup>۱</sup>، استفاده از این میزان گاز اشک‌آور علیه شهروندان طی یک‌صد سال اخیر بی‌سابقه بوده است. (www.nytimes.com: ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳) همچنین تیراندازی مستقیم نیروهای امنیتی و نیز شکنجه بازداشت‌شدگان از دیگر موارد مرگ قربانیان محسوب می‌گردد. در ارتباط با شکنجه قربانیان، گزارشات بسیار نگران‌کننده‌ای از شدت و وسعت اعمال این گونه اعمال منتشر می‌شود که بخشی از این شکنجه‌ها را می‌توان چنین بر شمرد: بستن چشم بازداشت‌شدگان؛ ضرب و شتم آنان؛ تنبیه بدنی بواسطه شلنگ یا لوله پلاستیکی، کابل، فلز و دیگر وسایل؛ شوک الکتریکی، در معرض دمای شدید قرار دادن؛ تجاوز یا تهدید به آن؛ محروم کردن بازداشت‌شدگان از خواب یا انجام فرایض دینی؛ توهین به مقدسات شیعیان و... (humanrights Report, Bahrain: ۱۹ آوریل ۲۰۱۳)

از دیگر موارد نقض حقوق بشر در بحرین می‌توان به بازداشت و حبس معترضین بر پایه اتهامات مبهم، عدم رعایت روال قضایی صحیح در محاکمه فعالان سیاسی و حقوق بشری، بازداشت افراد به اتهام آزادی بیان، نقض حریم خصوصی و اعمال محدودیت در خصوص آزادیهای مدنی همچون آزادی بیان، آزادی نشر، آزادی اجتماعات و آزادی انجام فرایض دینی، تبعیض جنسیتی، مذهبی، قومیتی به خصوص در قبال شیعیان و نیز سلب تابعیت فعالان سیاسی معترض اشاره نمود. در ارتباط با سلب تابعیت فعالان سیاسی، وزارت کشور بحرین در تاریخ ۷ نوامبر ۲۰۱۲ در اقدامی بی‌سابقه، تابعیت ۳۱ تن از فعالان سیاسی شیعه را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی سلب و آنان را به انگلیس تبعید نمود که این امر از دید و انتقاد ناظران سازمان عفو بین الملل مصون نماند و این سازمان در گزارش ۹ سپتامبر ۲۰۱۳ خود ضمن اشاره بدین موضوع، نسبت به آن ابراز نگرانی نمود. (www.amnesty.org، 5 نوامبر ۲۰۱۳)

علاوه بر سلب تابعیت، مسئله دیگر اخراج یا بازداشت گسترده پزشکان، پرستاران، آموزگاران و کارمندان است که در جریان قیام بحرین مشارکت مستقیم یا غیر مستقیم داشتند که این امر البته میان شیعیان نمود برجسته‌تری داشته است. مجموعه تحولات فوق‌الذکر حاکی از نقض جدی حقوق بشر در بحرین توسط

---

#### 1. Physicians for Human Rights

رژیم حاکم است و خاندان آل خلیفه در جهت تضمین و استمرار نظام حاکم و اعاده نظم و آرامش به کشور رویکردی خشن و غیرسازنده نسبت به قیام مسالمت‌آمیز معترضین عمدتاً شیعه در پیش گرفته است که این امر انتقاد بان کی‌مون، دبیر کل ملل متحد را نیز در پی داشته است و وی خواستار "اقدام جدی بر اساس موازین بین‌المللی حقوق بشر" از سوی حکومت بحرین شده است. (<http://www.presstv.com>, ۱۷ فوریه ۲۰۱۴)

### شورای همکاری خلیج فارس و مدیریت تحولات بحرین

مهم‌ترین بازیگر خارجی در بحران بحرین شورای همکاری خلیج فارس است. بحرین یکی از اعضای این سازمان منطقه‌ای است و امنیت و ثبات در این کشور با امنیت و ثبات دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس پیوندی تنگاتنگ دارد. به همین دلیل شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر عوامل و شرایطی دست به انجام اقداماتی در بحرین زد که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

### عوامل مؤثر بر سیاست های شورای همکاری خلیج فارس در بحران بحرین

زیرسیستم منطقه‌ی خلیج فارس از سه بازیگر عمده‌ی یعنی دولت‌های مرکزی یعنی اعضایشورای همکاری خلیج فارس، بازیگر مداخله‌گرایا هژمون نظام بین‌المللی یعنی ایالات متحده و کشورهای حاشیه‌ای و برهم زننده موازنه یعنی ایران و عراق تشکیل شده است. اعضای شورای همکاری خلیج فارس تحت تأثیر دو عامل خارجی یعنی جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده و یک مسئله‌ی داخلی یعنی جلوگیری از تسری تحولات مذکور به کشورهای عضو، دست به اقداماتی در بحران بحرین زدند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

### جمهوری اسلامی ایران

پیش از انقلاب اسلامی، ایران یکی از پایه‌های حفظ موازنه‌ی قدرت در منطقه فعال بود. اما بعد از انقلاب و تغییر در سیاست خارجی و چرخش نخبگان، ایران انقلابی به عامل برهم زننده‌ی موازنه در منطقه تبدیل شد. همین امر یکی از انگیزه‌های مهم در شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس توسط کشورهای عربی حاشیه جنوبی این دریای نیمه بسته بود. به گفته‌ی رئالیست‌های تدافعی به ویژه استفن



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

والت موازنه در برابر تهدید شکل می‌گیرد و منبع تهدید در چهار متغیر قدرت، مجاورت، قدرت تهاجمی و نیت تهاجمی است. در بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری به وضوح این چهار منبع تهدید قابل درک است. در متغیر قدرت می‌توان به قدرت برتر ایران نسبت به کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس اشاره کرد؛ در مجاورت می‌توان به عامل نزدیکی جغرافیایی، از منظر قدرت تهاجمی می‌توان به عامل ایدئولوژی انقلابی و توانمندی بومی نظامی اشاره نمود و از لحاظ نیت تهاجمی می‌توان به این نکته توجه کرد که کشورهای منطقه مدعی هستند که توانایی پیش بینی رفتار ایران را ندارند. از دیدگاه رئالیست‌های تدافعی هرچه قدر نیت تهاجمی بیشتر باشد احتمال موازنه در مقابل آن نیز بیشتر است.

تهدید ایران برای اعضای شورای همکاری خلیج فارس را در دو بعد سیاسی و مذهبی می‌توان بررسی کرد:

#### الف) تهدید سیاسی

پس از فروپاشی رژیم بعث در عراق و پیروزی شیعیان در انتخابات‌های این کشور، پیروزی حزب الله لبنان در جنگ سال ۲۰۰۶ معروف به جنگ ۳۳ روزه و تشکیل کابینه‌ی مورد حمایت شیعیان توسط نجیب میقاتی در لبنان، به عنصر شیعی در منطقه جان دوباره‌ای بخشیده شد. از آنجا که اکثریت گروه‌های پیروز از حامیان جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شدند. فوری‌ترین نتیجه آن بر سیاست خارجی ایران متبلور گردید و باعث افزایش ظرفیت منابع گفتمانی سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب و قدرت‌های فرامنطقه‌ای شد. (آدمی ۱۳۹۱: ۱۶۰-۱۶۱)

بعد از این تحولات رهبران و کارشناسان جهان عرب برای مقابله با نفوذ ایران از واژه‌هایی نظیر «هلال شیعی» سخن به زبان آوردند و طبیعی بود کشورهای عرب محافظه‌کار و به ویژه عربستان برای تکمیل نشدن پازل ایران دست به هر اقدامی بزنند که در این میان می‌توان به سخنان مسئولین کشورهای عربی و بیانیه‌های شورای همکاری خلیج فارس که در آن از ایران به علت دخالت در امور داخلی بحرین انتقاد شده بود اشاره کرد. در صورتی که تاکنون مدرکی در این باره منتشر نشده و می‌توان گفت تأثیر ایران بر تحولات بحرین بیشتر در ابعاد نرم و فرهنگی نمود داشته است. (کاظمی دینان ۱۳۸۸: ۲۰۴) می‌توان گفت بحرین نقطه‌ی

شورای همکاری  
خلیج فارس و روند  
بیداری اسلامی...  
(۵۹ تا ۷۸)

زورآزمایی کشورهای منطقه به ویژه ایران و عربستان است. عربستان روابط ویژه‌ای با بحرین دارد؛ خاندان حاکم در بحرین در اصل از قبایل ساکن سرزمین نجد واقع در عربستان هستند. همچنین پیوند سببی آل خلیفه با آل سعود (ازدواج شیخ حمد پادشاه بحرین با دختر امیر عبد الله پادشاه عربستان) این مناسبات را به اوج خود رسانده است. همچنین در حوزه اقتصادی باید به کمک‌های بلاعوض عربستان به بحرین و افزایش سهم نفت بحرین در حوزه مشترک نفتی ابوسعفه و احداث پل ارتباطی ۲۵ کیلومتری در سال ۱۹۸۶ با هزینه ۶۰۰ میلیون دلار اشاره کرد (هاشمی نسب ۱۳۸۹: ۳۱) از طرف دیگر تحولات بحرین برای جمهوری اسلامی ایران نیز جنبه‌ی حیاتی دارد. خلیج فارس و مسائل آن خط قرمز امنیت جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند این منطقه از لحاظ ترانزیت نفت، انرژی و همچنین حضور دشمن استراتژیک ایران یعنی ایالات متحده در بحرین و نیز حضور بیش از پنجاه هزار تبعه ایرانی و همچنین شیعیان که اکثریت جمعیت بحرین را تشکیل می‌دهند در زمره منافع مهم ایران محسوب می‌شود. لذا این امور باعث می‌شوند که جمهوری اسلامی ایران به راحتی از مسائل بحرین عبور نکند. (جهان بین و پرتو ۱۳۹۱: ۱۳۷)

#### ب) تهدید مذهبی

تشیع به عنوان یکی از شاخه‌های دین اسلام شناخته می‌شود جمعیت شیعیان در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۲۰۷ میلیون نفر از جمعیت ۱/۷۵۰ میلیاردی مسلمانان یعنی حدود ۱۶ درصد از کل مسلمانان را تشکیل می‌دهند. بیشتر شیعیان در کشورهای خاورمیانه یعنی ایران، بحرین، عراق و لبنان زندگی می‌کنند البته جمعیت زیادی نیز در جمهوری آذربایجان هستند. تغذیه‌ی فکری شیعیان همواره از ایران بوده است. برای کشورهای سنی مذهب به ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس مسئله شیعیان به شدت با اهمیت است. عربستان در زمان اشغال عراق از روی کار آمدن شیعیان واهمه داشت و تمام تلاش خود را برای جلوگیری از روی کار آمدن دولت شیعه به کار بست و اکنون نیز از تمام امکانات خود برای شکست دولت شیعی عراق استفاده می‌کند.

کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و بویژه عربستان به عنوان مهد وهابیت شناخته می‌شوند. وهابیون در حال حاضر تهدید بالقوه برای شیعیان هستند. آنها



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

معتقدند که مفاهیم و مبانی مذهب شیعه با کفر و شرک برابر است. بنابراین مذهب شیعه را جزء مذاهب اسلامی به حساب نمی‌آورند. این گروه‌های تندرو و حکومت‌های حاکم بر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از هرگونه تحولی در بحرین که به نفع اکثریت شیعه و در نهایت به نفوذ جمهوری اسلامی از نظر عقیدتی بیانجامد به شدت جلوگیری می‌کنند. (فوزی و پایاب ۱۳۹۱: ۳۱-۳۷)

### ایالات متحده آمریکا

قدرت‌های جهانی عموماً برای حفظ موازنه در نقاط مختلف جهان از دو رویکرد استفاده می‌کنند. اول رویکرد موازنه سازی و دوم رویکرد احاله مسئولیت، در راهبرد موازنه سازی برای جلوگیری از به هم خوردن وضع موجود دولت‌های قدرتمند خودشان برای مهار اخلال‌گر اقدام می‌کنند مانند جنگ خلیج فارس (حمله عراق به کویت) در سال ۱۹۹۱ اما در راهبرد احاله مسئولیت قدرت جهانی خود برای مهار نیروی اخلال‌گر اقدام نمی‌کنند. بلکه برای اجتناب از خشونت از دیگر بازیگران که منافع شان در خطر افتاده است در مقابل نیروی برهم‌زننده حفظ وضع موجود استفاده می‌کنند. در این راهبرد هم‌ژمون نظام بین‌الملل صرفاً نظاره‌گر و هدایت‌کننده و پرداخت‌کننده هزینه‌های امور است، این استراتژی در قبال تحولات بحرین قابل مشاهده است زیرا بحرین یکی از هم‌پیمانان مهم آمریکا در منطقه است و ارتباط گسترده‌ای در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی با این کشور دارد. روابط بحرین و آمریکا از سال ۱۹۳۹ با توسعه صنعت نفت در این جزیره آغاز شد و در سال ۱۹۶۸ این سرزمین مرکز فرماندهی ناوهای آمریکایی در خلیج فارس شد. در حال حاضر نیز ناوگان پنجم دریایی آمریکا در بحرین مستقر است که در آن حدود ۳۰ کشتی آمریکایی و ۱۵ کشتی کشورهای متحد آمریکا مستقر هستند. همچنین در سال ۱۹۹۱ دو کشور پیمانی بستند که بر پایه‌ی آن آمریکا حق پیاده کردن تجهیزات برای رویارویی با بحران‌های آینده را دارد. همین پیمان سبب شد که در سال ۱۹۹۱ هواپیماهای آمریکایی هزاران پرواز از بحرین به سمت عراق داشته باشند. سال ۲۰۰۱ هم‌زمان با اصلاحات امیر بحرین سال اوج روابط با ایالات متحده می‌باشد در این سال جورج دبلیو بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا، بحرین را به عنوان یکی از متحدان مهم و راهبردی ایالات متحده اعلام کرد. (نامی و قرچه‌لو ۱۳۹۰: ۷۳) بحرین به شدت به حفظ روابط با ایالات متحده آمریکا نیازمند است.

این کشور طی سال‌های گذشته کمک‌های بسیاری را از ایالات متحده دریافت کرده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۰ بحرین ۲۰۰ میلیون دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت کرد. همچنین حفظ موجودیت نظام‌های پادشاهی کشورهای عرب حاشیه‌ی خلیج فارس یکی از اصول جنگ ایالات متحده علیه تروریست‌هاست (سلطانیان ۱۳۹۰: ۴۵) ناآرامی‌های بحرین شرایط دشواری را برای آمریکا ایجاد کرده و آن را با متحدی‌بحران زده مواجه نموده است. ایالات متحده برای کنترل اوضاع در بحرین ضمن تأکید بر حمایت از خاندان آل خلیفه و ثبات و امنیت این کشور به عنوان دولت متحد، خواستار رویکرد مسالمت آمیز و اصلاحات سیاسی از سوی حکومت این کشور در قبال مخالفان بوده است. به عنوان مثال در سفر ۱۲ مارس ۲۰۱۱ رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا به بحرین وی خواستار انجام اصلاحات دموکراتیک از سوی پادشاه بحرین شد. (حمیدی ۱۳۹۰: ۴۵) با این حال با تداوم اعتراضات و برهم خوردن اوضاع و نامعلوم شدن آینده بحرین و ورود نیروهای سپر جزیره به این کشور، آمریکا رویکرد محتاطانه‌تری در پیش گرفت. رویکردی که نشانگر مخالفت جدی و اساسی آمریکا با سرکوب خشونت‌آمیز معترضین بحرینی نیست و در جهت مدیریت بحران و حفظ و تداوم حاکمیت خاندان آل خلیفه می باشد. (اسدی ۱۳۹۰: ۱۲-۱۳)

### تسری تحولات بحرین به اعضای دیگر شورای همکاری خلیج فارس

در مورد تسری بحران بحرین به دیگر اعضای شورای همکاری خلیج فارس دونکته حائز اهمیت است. نخست؛ خطر تسری مذهبی و دوم نوع نظام‌های سیاسی کشورهای عضو شورا. درباره‌ی مورد اول باید گفت دو کشور عربستان و کویت بیشتر احساس خطر می‌کنند، شیعیان در عربستان جمعیتی حدوداً ۲ میلیون نفری را تشکیل می‌دهند. این جمعیت، ۱۰ تا ۱۵ درصد جمعیت کل عربستان را شامل می‌شود. اکثر آنها در مناطق شرقی استانهای بزرگ قطیف و الاحساء و اندکی هم در استان دمام و حدود ۱۰ هزار نفر در مکه و مدینه ساکن هستند. این مناطق عمده صنعت نفت و پالایشگاهی عربستان را میزبانی می‌کنند و همین مسئله به عنوان مشکل بزرگی برای ریاض محسوب می‌شود (کاظمی دینان ۱۳۸۸: ۱۶۹) از طرف دیگر در کشور کویت نیز به گفته‌ی برخی از منابع شیعیان حدود ۴۰ درصد از جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند (همان: ۲۲۴)



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

این به هم پیوستگی شیعیان در منطقه به ویژه اگر با هم پیمانی و تأثیرپذیری از شیعیان عراق و ایران همراه شود. کنترل اوضاع را از دست نظام‌های سیاسی محافظه کار خارج خواهد کرد. این امر هم تهدید مذهبی و هم تهدید سیاسی محسوب می‌شود. به عنوان نمونه می‌توان به تأثیرپذیری شیعیان بحرین از شیعیان عراق در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ اشاره کرد که شعارهایی نظیر «یک فرد، یک رأی» که شعار اصلی شیعیان عراق بود در بحرین نیز شنیده شد (پیشین: ۲۰۵) موضوع بعدی علاوه بر مسئله شیعیان به نوع نظام‌های سیاسی حاکم بر کشورهای منطقه بازمی‌گردد که یک نوع حکومت عشیره‌ای، موروثی و خاندانی است. اگر این نظام سیاسی در بحرین سقوط کند زمینه برای سقوط دیگران فراهم می‌شود. لذا این کشورها سعی دارند به هر شکل ممکن از تداوم حاکمیت آل خلیفه حمایت کنند. زیرا سقوط آل خلیفه یا هر یک از کشورهای عضو شورا می‌تواند مانند مرضی مسری به کشورهای دیگر گسترش یابد (هاشمی نسب ۱۳۸۹: ۳۲)

### ارزیابی عملکرد شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات بحرین

باتوجه به عوامل ذکر شده مؤثر بر سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس در قبال تحولات بحرین، حفظ وضع موجود و موازنه از دید این شورا ضروری به نظر می‌رسد، بنابراین شورا برای رسیدن به هدف غایی خود یعنی حفظ موازنه سه راه کار را در قبال تحولات بحرین در پیش گرفته است؛ نخست: حضور مستقیم نیروهای نظامی شورا به نام نیروهای سپر جزیره، دوم: طرح الحاق بحرین به عربستان (این طرح در یک مقطع کوتاه مطرح شد) از سوی این کشور و سوم: فضا سازی رسانه ای.

#### حضور نیروهای سپر جزیره

در ۱۴ مارس ۲۰۱۱ یعنی یکماه پس از آغاز درگیری‌ها در بحرین، نیروهای نظامی شورای همکاری خلیج فارس به نام نیروهای سپر جزیره وارد خاک بحرین شدند، تعداد این نیروها بالغ بر ۱۰۰۰ نیروی نظامی، ۵۰۰ نیروی امنیتی و ۱۰۰ ماشین سنگین نظامی تخمین زده شد. این نیروها عموماً از کشورهای عربستان سعودی و امارات بودند. (نیاکوئی ۱۳۹۰: ۲۵۸). در مورد پیمان سپر جزیره این نکته حائز اهمیت است که این پیمان مبتنی بر مسائل امنیتی - نظامی است و در آن به همکاری‌های نظامی و امنیتی در زمان تهدیدات خارجی اشاره شده است. در صورتی

شورای همکاری  
خلیج فارس و روند  
بیداری اسلامی...  
(۵۹ تا ۷۸)

که تحولات بحرین امری کاملاً سیاسی و داخلی و برخاسته از مردم و مطالبات مردمی است. نکته‌ی مهمی که در این باب باید توجه داشت، این است که به گفته‌ی کارشناسان، توان عملکرد این نیروها بر اساس حمایت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری ایالات متحده تبیین می‌شود. (مصلی نژاد ۱۳۹۰: ۱۹۱-۱۹۳) به عبارت بهتر می‌توان گفت که این نیروها به صورت غیرمستقیم حافظ منافع آمریکا در خاورمیانه هستند.

### طرح الحاق بحرین به عربستان

عربستان سعودی مبتکر این طرح بود. این کشور که خود را پدرخوانده‌ی اعضای شورای همکاری می‌داند، حدود ۸۳/۳ درصد از مساحت و ۶۷/۵ درصد از جمعیت کل اعضا را در اختیار دارد. این کشور سعی دارد اتحادیه‌ی ای کنفدرال شبه اتحادیه اروپا ایجاد کند. اما به دلیل تفاوت‌های بنیادین و به خصوص عدم اطمینان دیگر کشورهای عضو شورا به عربستان به ویژه در بخش نظامی این امر با موفقیت همراه نبوده است. پس از آغاز جنبش اعتراضی در فوریه ۲۰۱۱ در بحرین، عربستان که موقعیت آل‌خلیفه را در خطر می‌دید نیروهای نظامی خود را در قالب نیروهای سپر جزیره به این کشور اعزام کرد. خطر به هم خوردن توازن منطقه‌ای و همچنین نفوذ انقلاب بحرین به درون قلمرو سعودی، سران دو کشور را بر آن داشت تا به فکراتحاد بیفتند. دولتمردان بحرینی نیز از این اقدام حمایت کردند و نمایندگان مجلس این کشور در نشستی فوق‌العاده این طرح یعنی کنفدرالیسم را تصویب کردند. بحرین از مرکزیت مالی در منطقه برخوردار است و دارای ثروت‌های طبیعی است، اما از لحاظ امنیتی با تهدیدهایی مواجه است. به همین دلیل مجلس این کشور علیرغم مخالفت‌های مردمی اصرار بر تشکیل کنفدرالیسم داشت. اما به گفته‌ی حقوق‌دانان این امر مستلزم رأی مثبت مردم بحرین است زیرا منابع قدرت در بحرین به سعودی‌ها واگذار می‌شود. اما رژیم حاکم معتقد بود که این طرح در شرایط استثنائی ایجاد شده و در چهار محور اقتصاد، امنیت داخلی، ارتباطات خارجی و دفاع بوده است. (محمدی ۱۳۹۱: ۳۴-۴۰)

این طرح در نشست مشورتی سران عضو شورا که در ۱۴ می ۲۰۱۲ در ریاض برگزار شد، مطرح گردید ولیکن با موافقت اعضا همراه نشد و به کنار گذاشته شد.

### فضاسازی رسانه‌ای

فضاسازی رسانه‌ای در قبال بحران بحرین در دو گروه رسانه‌های همسو و



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶



غیرهمسو قابل تحلیل است، رسانه‌های همسو یا در قبال تحولات بحرین سکوت کردند یا با همکاری حاکمان کشورهای عضو شورا به ویژه عربستان و بحرین تلاش نمودند با ایجاد درگیری فرقه‌ای و اختلافات شیعه و سنی مطالبات مردم بحرین را با ترکیبی از روش‌های سخت افزاری و نرم افزاری سرکوب نمایند. این رسانه‌ها سعی کرده‌اند حرکت مردم بحرین را فرقه‌ای و مذهبی معرفی کنند. (امیرعبداللهیان ۱۳۹۰: ۱۵۳) اما در مقابل، رسانه‌های غیرهمسو مانند: المنار حزب الله، العالم ایران و شبکه‌های شیعی عراق مسائل بحرین را در صدر اخبار خود قرار داده‌اند. حکومت بحرین نیز معتزضانی را که باشبکه‌های ایرانی و شیعی در ارتباط هستند را در معرض انتقاد و مجازات قرار داده و کانال‌های خبری شیعه را عامل نفوذ ایران تلقی می‌داند. (دارمی ۱۳۹۱: ۱۹۴)

## نتیجه

به نظر می‌رسد کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس برای مدیریت بحران بحرین انگیزه‌ها و عوامل چندگانه‌ای را مدنظر قرار داده‌اند که موجب حضور سخت و غیر قابل انعطاف آنها در قبال خیزش مردمی در این کشور شده است. عربستان سعودی به عنوان محور اصلی این شورا بحرین را به نوعی حیاط خلوت و منطقه نفوذ خود می‌داند و بر این اساس خواستار حفظ حاکمیت آل خلیفه در این کشور است. مقامات سعودی از ابتدای آغاز بحران بحرین سعی کرده‌اند رهبران کشورهای عضو شورا را قانع کنند که تغییر رژیم در بحرین پیامدهایی جدی و شدید بر امنیت و بقای سایر کشورهای عضو شورا دارد و در نتیجه رویکردی سخت و سرکوبگرانه مورد نیاز است.

عامل دیگری که در رفتار این شورا در قبال تحولات بحرین تأثیرگذار است، ساختار سیاسی اقتدارگرا و سنتی این کشورها و همچنین حضور اقلیت شیعه در برخی از این کشورها و بویژه در مناطق شرقی عربستان است. این امر آنها را در مقابل تحولات و خیزش مردمی بحرین بسیار آسیب پذیر ساخته است. شورای همکاری خلیج فارس با توجه به هراس مذهبی بویژه احساس تهدید از حاکمیت اکثریت شیعیان بر بحرین، ترس از سقوط نظام آل خلیفه و تسری این بحران به صورت دومینو به سایر کشورهای عضو و نیز به هم خوردن موازنه قوا در خلیج فارس به سود جمهوری اسلامی ایران، تلاش کرده است تا سیاست حفظ وضع

موجود را به هر طریق ممکن حتی با اعزام نیروهای نظامی دنبال کند زیرا کشورهای عضو این شورا نیز از مشکلات سیاسی و مذهبی نظیر رژیم بحرین رنج می‌برند و لذا موفقیت مخالفان در سقوط نظام حاکم می‌تواند به عنوان الگویی برای مردم سایر کشورهای عضو شورا باشد که نظام‌های سیاسی آنها نیز با عدم مشروعیت مواجه هستند. از دیدگاه اعضای شورای همکاری خلیج فارس، تحولات منطقه پس از ۱۱ سپتامبر، موجب به هم خوردن موازنه قدرت به زیان این کشورها شده است. حمله آمریکا به عراق و سقوط نظام بعثی منجر به شکلگیری نظام سیاسی دموکراتیک با حاکمیت شیعیان شده است. تغییر و تحولات حوزه لبنان و فلسطین به برتری محور مقاومت انجامیده و تحولات و انقلاب‌های اخیر جهان عرب آسیب‌پذیری آنها را در قبال فشارهای مردمی نشان داده است لذا در این شرایط هرگونه تغییر رژیم در بحرین به عنوان یک خط قرمز باعث تضعیف بسیار شدیدتر موقعیت آنها خواهد شد. به خصوص اینکه از دیدگاه آنها هرگونه مشارکت شیعیان در ساختار قدرت در بحرین افزایش نفوذ ایران در این کشور و به تبع آن در سطح منطقه و تغییر موازنه به سود ایران را موجب خواهد شد. این نکته حائز توجه است که سیاست‌های شورای همکاری خلیج فارس در تمامی موارد با حمایت آمریکا به عنوان متحد نزدیک رژیم بحرین همراه بوده است.

با توجه به ساختار سیاسی و اجتماعی بحرین، عدم سازماندهی مناسب مخالفان و نیز فقدان رهبری واحد و مقتدر از یکطرف و از طرف دیگر حمایت اعضای شورای همکاری خلیج فارس و ایالات متحده از سیاست سرکوبرژیم آل خلیفه و تلاش برای حفظ وضع موجود به نظر می‌رسد پیروزی مخالفان بسیار مشکل باشد. حمایت‌های بی‌قید و شرط جبهه عربی و غربی از رژیم حاکم موجب شده که صدای مظلومیت مردم بحرین کمتر به گوش جهانیان برسد و رژیم آل خلیفه با فراغ‌بال و بدون توجه به موازین حقوق بشری به سیاست سرکوب مخالفان ادامه دهد.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶

## منابع

- آدمی، علی (۱۳۹۱) «بحران بحرین و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه‌ی راهبرد**، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار.
- اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰) «تحولات بحرین: ریشه‌ها و بازیگران»، **مرکز تحقیقات استراتژیک**، گزارش راهبردی ۳۵۴، فروردین.
- امیر عبداللهیان، حسین (۱۳۹۰) «ناکامی طرح خاورمیانه بزرگ و خیزش بیداری اسلامی در جهان عرب: مطالعه موردی بحرین»، **فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال چهاردهم، شماره دوم، تابستان.
- برزگر، کیهان (۱۳۹۰) «عوامل تأثیر گذار بر سیاست‌های جدید بحرین»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال پانزدهم، شماره ۳، پاییز.
- بیانات مقام معظم رهبری در حرم رضوی، ۱۳۹۰. [www. Leader. ir](http://www.leader.ir)
- جهان بین، فرزاد و پرتو، فتح الله (۱۳۹۱) «راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر»، **فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی انقلاب اسلامی**، سال اول، شماره ۳، تابستان.
- حمیدی، محمد محسن (۱۳۹۰) «نا آرامی در بحرین؛ در خواست اصلاحات یا انقلاب؟»، **اطلاعات سیاسی-اقتصادی**، شماره ۲۸۴، تابستان.
- دارمی، سلیمه (۱۳۹۱) «اعتراض‌های مردمی در شمال آفریقا و خاورمیانه: دشواری‌های بحرین در مسیر اصلاحات»، **کتاب بیداری اسلامی، ویژه مطالعات موردی ۲**، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- درزی کلایی، محمدرضا (۱۳۹۰) «حرکت‌های انقلابی در بحرین و نظریه محرومیت نسبی تدرابرت گار»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال هجدهم، شماره سوم، پاییز.
- سلطانیان، روح الله (۱۳۹۰) «انقلاب‌های عربی و آینده حضور نظامیان آمریکا در منطقه»، **مجله اطلاعات راهبردی**، سال نهم، شماره ۱۰۶، اسفند.
- فوزی، یحیی و پایاپ، بهروز (۱۳۹۱) «تأثیر ژئوپلیتیک بر الگوی سیاسی مورد

حمایت شیعیان در کشورهای مختلف»، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰، پاییز.

- کاظمی دینان، سیدمرتضی (۱۳۸۸) «علل خیزش شیعیان حاشیه‌ی جنوبی خلیج فارس (عربستان سعودی، بحرین، کویت) قم: انتشارات شیعه شناسی.
- کوشکی، محمدصادق و ناظم‌پور، مریم (۱۳۸۹) «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، شماره ۵، زمستان.
- محمدی، مصطفی (۱۳۹۱) «طرح ایجاد اتحاد کشورهای عرب حوزه خلیج فارس و تأثیر آن بر توازن قدرت منطقه» مجله اطلاعات راهبردی، سال دهم، شماره ۱۱۱، مرداد و شهریور.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰) «الگوی مدیریت پشتیبان در اعزام نیروهای نظامی عربستان به بحرین»، فصلنامه دیپلماسی صلح عادلانه، شماره چهارم، بهار.
- موسوی، سید فضل الله و میر محمدی، معصومه سادات (۱۳۸۹) «بررسی جنایت تعقیب و آزاد در پرتو وقایع اخیر بحرین»، مجله حقوقی بین‌المللی، سال بیست و هفتم، شماره ۴۳.
- نامی، محمدحسن و شامی قرچه لو، ابوالفضل (۱۳۹۰) بحرین، تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی شهید سپهد صیاد شیرازی (ارتش جمهوری اسلامی ایران)
- نیاکوئی، سیدامیر (۱۳۹۰) «تحولات اخیر خاورمیانه و شمال آفریقا: ریشه‌ها و پیامدهای متفاوت»، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره چهارم، زمستان.
- هاشمی نسب، سیدسعید (۱۳۸۹) «بحران بحرین»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۵، پاییز و زمستان.

- [www.bahrainrights.org](http://www.bahrainrights.org) ۱۷ فوریه ۲۰۱۴.
- [www.nytimes.com](http://www.nytimes.com) ۲۲ اکتبر ۲۰۱۳.
- [www.Humanrights.bahrain.com](http://www.Humanrights.bahrain.com) ۱۹ آوریل ۲۰۱۳.
- [www.amnesty.org](http://www.amnesty.org) ۵ نوامبر ۲۰۱۳.
- <http://www.presstv.com> ۱۷ فوریه ۲۰۱۴.



فصلنامه  
علمی  
تخصصی

سپهر سیاست  
سال چهارم  
شماره دوازدهم  
تابستان ۱۳۹۶